



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ وصیت و ارث

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: خالقی

تاریخ: ۱۳۹۹/۳/۱۴

لطفاً در مورد سهم الارث فرزندان از مادر توضیح دهید. آیا ترکه‌ی مادر تنها متعلق به دختران است یا پسران هم از آن سهم می‌برند؟ سهم دختران و پسران از آن چه اندازه است؟

سؤال دیگر اینکه اگر پدر یا مادری در زمان حیات خود، مال خود را به خاطر محبت بیشتر به پسرانش، تنها متعلق به پسرانش بداند و دختران را از آن محروم کند، آیا دختران حق اعتراض خواهند داشت؟ آیا پدر یا مادر برای این عمل خود و فرق گذاشتن بین فرزندان، مرتکب گناه شده است؟ از پاسخگویی شما متشکرم.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۹/۳/۱۸

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. ترکه‌ی مادر یعنی مالی که در زمان حیات و پیش از ابتلای او به بیماری منتهی به مرگ، برای او بوده است، تنها متعلق به دختران او نیست، بلکه متعلق به همه‌ی فرزندان اوست؛ با این تفاوت که سهم پسران او، دو برابر سهم دختران اوست؛ چراکه خداوند به صورت عام فرموده است: **«يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ الْإُنثَىٰ»**^۱؛ «خداوند شما را درباره‌ی فرزندان وصیت می‌کند، برای پسر مانند سهم دو دختر است»؛ همچنانکه به صورت خاص، به ارث بردن فرزندان از مادرشان اشاره کرده و فرموده است: **«وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَ»**^۲؛ «و برای شما نصف چیزی است که زنانان بر جای گذاشته‌اند اگر برایشان فرزندی نباشد، پس اگر برایشان فرزندی باشد، برای شما یک چهارم چیزی است که

۱. النساء / ۱۱

۲. النساء / ۱۲

بر جای گذاشته‌اند؛ با توجه به اینکه کاهش سهم شوهر، به سبب وجود سهم برای فرزندان زن است و فرزندان زن، شامل دختران و پسران او می‌شوند.

۲. برای پدر و مادر - هرگاه به خداوند و روز قیامت باور دارند - شایسته است که به حکم خداوند درباره‌ی میراث‌شان گردن نهند و برای تغییر آن تلاش نکنند؛ چراکه حکم خداوند درباره‌ی میراث‌شان عادلانه است و هر گونه تلاش برای تغییر آن، تلاش برای جلوگیری از اجرای عدالت محسوب می‌شود که کاری ظالمانه است؛ مگر اینکه فرزندان‌شان منحرف یا فاسق باشند؛ چراکه در این صورت، پدر و مادر می‌توانند در زمان حیات خود و پیش از ابتلا به بیماری منتهی به مرگ، همه‌ی اموال خود - به استثنای چیزی که برای ادامه‌ی حیات‌شان به آن نیاز دارند - را برای خداوند وقف کنند یا صدقه دهند و اگر برخی فرزندان‌شان منحرف یا فاسق و برخی دیگر مؤمن و صالح هستند، برای پدر و مادر جایز است که در زمان حیات خود و پیش از ابتلا به بیماری منتهی به مرگ، همه‌ی اموال خود - به استثنای چیزی که برای ادامه‌ی حیات‌شان به آن نیاز دارند - را به فرزندان مؤمن و صالح خود هبه کنند؛ چراکه این کار در چنین حالتی، جلوگیری از عدالت محسوب نمی‌شود، بل خودداری از کمک کردن به منحرفان و فاسقان محسوب می‌شود که کاری جایز، بلکه واجب است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَلَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۱؛ «و به یکدیگر در گناه و تعدی یاری نرسانید و از خداوند بترسید؛ چراکه عقاب خداوند شدید است». بدون شک شایسته نیست که فرزندی منحرف و فاسق، به پشتوانه‌ی میراث پدر و مادرش، به قدرت و امکانات دست یابد و در زمین ظلم و فساد انگیزد، تا با این شیوه هم خود را شقی گرداند و هم پدر و مادرش را در قبر برنجاند و هم به مسلمانان زیان برساند. از این رو، برای پدر و مادر شایسته است که هرگاه در فرزندان خود شر می‌بینند و خیری نمی‌بینند، اموال خود را برای آنان باقی نگذارند، بلکه در راه خداوند هزینه کنند؛ چراکه این کاری حکیمانه و پرهیزکارانه است؛ مشروط به اینکه اختلاف با فرزندان‌شان درباره‌ی مسائل دنیوی را مبنای قضاوت درباره‌ی آنان قرار ندهند و آنان را تنها به سبب برخی نافرمانی‌ها یا کوتاهی‌های معمول در رابطه با خود، به منزله‌ی منحرف و فاسق نپندارند، بلکه تنها دین را ملاک قرار دهند و عقاید و اعمال فرزندان‌شان در رابطه با خداوند و بندگانش را در نظر بگیرند؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنَّ أَبِي قَالَ لِإِخْوَتِي: إِذَا أَنَا مِتُّ فَلَا تُؤْتُوا فَلَانًا شَيْئًا مِنْ مِيرَاثِي؛ لِأَنَّهُ تَرَكَ أَهْلَهُ وَدَارَهُ وَذَهَبَ إِلَى الْمَنْصُورِ! فَقَالَ الْمَنْصُورُ: كَذَبَ، لَيْسَ لَهُ ذَلِكَ، إِنَّمَا أَطْعَمْتُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، قُلْتُ: هَلْ لِلْأَبِ أَنْ يَحْرُمَ أَوْلَادَهُ مِنَ الْمِيرَاثِ؟ قَالَ: لَيْسَ لَهُ ذَلِكَ وَلَا كَرَامَةٌ، إِلَّا أَنْ يَحْسَ مِنْهُمْ كُفْرًا أَوْ ظُلْمًا أَوْ فِسْقًا بَيِّنًا، فَلَهُ أَنْ يُنْفِقَ أَمْوَالَهُ قَبْلَ أَنْ يَحْضُرَهُ الْمَوْتُ،

لِكَيْ لَا يَبْقَى لَهُمْ شَيْءٌ يَسْتَعِينُونَ بِهِ عَلَى كُفْرِهِمْ أَوْ ظُلْمِهِمْ أَوْ فِسْقِهِمْ، قُلْتُ: فَإِنْ عَلِمَ فِي أَحَدٍ مِنْهُمْ خَيْرًا، أَلَمْ أَنْ يَهَبْهُ أَمْوَالَهُ كُلَّهَا وَيَتْرَكَ الْآخَرِينَ؟ قَالَ: لَا جُنَاحَ عَلَيْهِ إِذَا عَلِمَ فِيهِ خَيْرًا فِي الدِّينِ، وَلَا يُؤْثَرُهُ لِحُبِّ وَلَا نَفْعٍ فِي الدُّنْيَا، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا قَالَ إِبْرَاهِيمَ: ﴿وَمَنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾^۱ فَحَصَّ الصَّالِحِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ؛ «به منصور گفتم: پدرم به برادرانم گفته است: هرگاه من مردم، به فلانی چیزی از میراثم ندهید؛ چراکه او خانه و خانواده اش را ترک کرده و به نزد منصور رفته است! منصور فرمود: دروغ گفته است، او را نمی رسد که این کار را انجام دهد، هرآینه تو از خداوند و پیامبرش اطاعت کرده ای، گفتم: آیا پدر می تواند فرزندان را از میراث محروم کند؟ فرمود: او را نمی رسد که این کار را انجام دهد و شایسته نیست، مگر اینکه کفر یا ظلم یا فسق آشکار در آنان ببیند، پس در این صورت می تواند اموالش را پیش از آنکه مرگش فرا رسد انفاق کند، تا برای آنان چیزی باقی نماند که از آن برای کفر یا ظلم یا فسق خود کمک بگیرند، گفتم: اگر در یکی از آنان خیری بیابد، آیا می تواند همه ی اموالش را به او ببخشد و دیگران را واگذارد؟ فرمود: گناهی بر او نیست هرگاه در او خیری در دین بیابد، ولی او را به خاطر دوست داشتن یا فایده داشتنش در دنیا برتری نمی دهد، هرآینه خداوند بلندمرتبه هنگامی که ابراهیم گفت: <و از فرزندانم، فرمود: عهد من به ظالمان نمی رسد>، پس صالحان را از میان فرزندان او مخصوص ساخت».

۳. اگر پدر و مادر در زمان حیات خود و پیش از ابتلا به بیماری منتهی به مرگ، همه ی مال خود را بدون عذر موجه، به یکی از فرزندان ببخشند، کاری ناپسند انجام داده اند، ولی سایر فرزندان نمی توانند پس از مرگ آن دو، اعتراض کنند؛ چراکه مال بخشیده شده در این زمان، جزء ترکیه ی آن دو محسوب نمی شود. با این حال، برای فرزندی که همه ی مال پدر و مادر به او بخشیده شده، مستحب است که چیزی از آن را به برادران و خواهران خود بدهد و آنان را راضی کند و به خاطر دنیا از خود نرنجاند.

۴. اگر پدر و مادر در زمان حیات خود، همه ی مالشان را به یکی از فرزندان نبخشیده باشند، بل تنها وصیت کرده باشند که بعد از مرگشان، همه ی مالشان به او داده شود و به دیگران نرسد، وصیت شان باطل است؛ چراکه وصیت آن دو نمی تواند حکم خداوند را تغییر دهد و حق وارثان را ضایع گرداند؛ خصوصاً با توجه به اینکه خداوند مشروعیت وصیت را منوط به «معروف بودن» یعنی متعارف و منصفانه بودن آن کرده و فرموده است: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ﴾^۲؛ «برای شما تشریع شد که هرگاه یکی از شما را مرگ فرا رسد،

۱. البقرة / ۱۲۴

۲. البقرة / ۱۸۰



اگر مالی باقی گذاشته است، برای پدر و مادر و نزدیکان به صورت معروف (یعنی متعارف و منصفانه) وصیت کند»، بلکه تغییر وصیت هرگاه به صورت معروف (یعنی متعارف و منصفانه) نباشد را جایز دانسته و فرموده است: «فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ «پس هر کس از جانبداری یا گناه وصیت کننده بترسد، پس (با عمل بر خلاف وصیت او) میان وارثان را اصلاح کند، گناهی بر او نیست، هرآینه خداوند آمرزنده‌ای مهربان است».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجله مجتبی با حکایت‌ها و سوره‌ها

